

امروز با مولانا

شیرمردانند در عالم مدد بانگ مظلومان ز هر جا بپشتوند  
کان زمان کفغان مظلومان رسد آن طرف چون رحمت حق می دوند

برش

آخرین سفر

امجدابوم



چاری نیمه شب بلانشهر به شهر کوچک زادگاهش می رود به آخرین سفر اما وقتی گنج و سرگردان به خانه دوران کودکی اش می رسد، موضوع خیریت انگیزی را کشف می کند. مادرش - که اسل قبل مرده سان جاست و طوری به چاری خوشامد می گوید که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده

انامه داستان در یک روز ظاهرا عادی می گذرد که بسیاری از ما در حسرت انیم فرصت ایجاد رابطه خوب با والدین در گذشته برای شرح دادن این زندگی و طلب بخشش چاری در جای بین این زندگی و دنیای دیگر در مورد مادرش و فداکاری های او چیزهای شگفت انگیزی می فهمد و سعی می کند با راهنمایی محتامیز او نگاههای خرد شده زندگی اش را بار دیگر کنار هم قرار دهد.

برشی از کتاب: یک روز دیگر»

یک خبر یک نگاه

سرمایه گذاری برای زنان

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده در دیدار با نخست وزیر گروسی گفته است که زنان و کودکان قربانیان اصلی تحریمها هستند. برای تأمین هزینه های زندگی زنان دارند. حالا دیگر آنها را برای بهبود وضع زنان تلاش می کنند و سعی بر توانمندی آنها از دیدن زیر گسترش روابط با دنیا تا کید دارند. گروسی باشد به هر نقطه دیگر دنیا که بنفوذ تأثیر مثبتی روی اقتصاد کشور و به ویژه توجه مسئولان دولتی به مسئله زنان و به ویژه توانمندی آنها مدتی است که موضوع خبرها شده است. امور زنان و خانواده ریاست جمهوری نیز به بهانه های مختلف از برنامه های توانمندی زنان خیر داده است این بار مسأله ارتباط بین تحریم

زنان و کودکان وارد می آورد. این را در کنار خبرهای بنگاریم که از کاهش سن زنان سرپرست خانوار می رسد مشکلاتی که آنها برای تأمین هزینه های زندگی زنان دارند. حالا دیگر آنها را برای بهبود وضع زنان تلاش می کنند و سعی بر توانمندی آنها از دیدن زیر گسترش روابط با دنیا تا کید دارند. گروسی باشد به هر نقطه دیگر دنیا که بنفوذ تأثیر مثبتی روی اقتصاد کشور و به ویژه توجه مسئولان دولتی به مسئله زنان و به ویژه توانمندی آنها مدتی است که موضوع خبرها شده است. امور زنان و خانواده ریاست جمهوری نیز به بهانه های مختلف از برنامه های توانمندی زنان خیر داده است این بار مسأله ارتباط بین تحریم

شارت

چابهار



بی مناسبت



یک دنیا صلح و ثروت برای همه

تنگه باری ریسرسان باشد، به نام داستان است او را می بوسیم.  
مخاطب در موسیقی ای چون Stop killing your fellow beings خورشید سیاه در فضای مجازی منتشرش کرد، تمام افرادی هستند که در جنگ نقش دارند، چه مهاجمان، چه قربانیان، چه کسانی که می کشند و چه کسانی که می میرند و البته تمام کسانی که خواهان پایان گرفتن کشتارها و برقراری صلح هستند. منظور از طرح مسأله عشق و نفرت، سوال از مهاجمان و قاتلان جنگ است و علت سلاح به دست گرفتن راز سرباز می پرسند. این که سلاح را صرفاً به خاطر شوق به میهن و مردم خود به دست گرفته، یا به خاطر نفرت از طرف مقابل. این سوالات است که خواننده با توجه به درک و بینش خود از شرایط می تواند جوابش را پیدا کند.

حیوانات واکنش نشان داد ولی در مقابل ابتدا انسانی بی توجه بود. با این وجود از همان ابتدا در کنسرتها و نیز در آلبوم «خرس سیاه بلوچی» آثار صرفاً اجتماعی و حتی عاشقانه هم داشته ایم اما به دلیل مشکلات و مطالبات زیست محیطی در جامعه ایرانی، آهنگهایی که به مشکلات محیطی بپردازند، بیشتر و برجسته تر دیده شده اند. صلح پایدار، لازمه محیط زیست سالم است.  
با تمام این شرایط برآستی که به نوبت و امید زنده ایم. حرکت اجتماعی زیبا بی شک ما را به دنیایی زیباتر می رساند اما بی توقع نیستیم، توقع مان هم زیاد است. یک دولت اگر تمام امکانات را با ما بدهد، باز کم است. چند میلیون و میلیارد تومان، کار ما را راه نمی اندازد. چشم انداز ما یک دنیا صلح و ثروت برای همگان است. هر کسی که در این راه، ما را بین

می توان مردم را به صلح و مهربانی با یکدیگر دعوت کرد که البته به طور عام هدف هر هنرمندی که دست به خلق چنین اثری می زند، همین است.  
به عنوان کسی که در یک گروه موسیقی دوستدار محیط زیست (خورشید سیاه) فعالیت می کند، معتقدم، هنر با گرایش محیط زیست یک هنر انزوا و جدا از دردهای اجتماعی و تنش های سیاسی نیست.  
فعالیت های زیست محیطی، یکی از روش ها و دستاوردترین اشکال تبرد سیاسی انسان معاصر است. زخم انسان جدا از زخم های دیگر موجودات نیست. ما در ترانه های مشکلات زیست محیطی را طی یک ارتباط تنگاتنگ با حوزه اجتماعی و انسانی نقد و تحلیل کرده و به عرصه زیبایی شناسی وارد کرده ایم. نمی شود نسبت به سوزاندن جنگل و خشونت علیه

چهارگوشه

در همه کشورها، جدا از (موسیقی سرگرمی)، «موسیقی هدفمند» هم وجود دارد که ما مقاصد مشخصی ساخته می شود، یکی از این نوع موسیقی ها، موسیقی «شدتنگ» است که تازه چرخه طولانی ای در موسیقی امروزی دارد. برجسته ترین فعالیت موسیقی های شدتنگ، فستیوال وودستاک در سال ۱۹۶۹ بود که برای صلح و صلح برگزار شد. بزگان موسیقی امروزی هم ترانه های شدتنگ دارند که در آن صلح سخن گفته اند. مثل ترانه Imagine از جان لئون. «Blowing in the Wind» از بابین.  
همه این هنرمندان باور داشتند که از طریق موسیقی، که زبان مشترک همه انسان هاست

ندارد و مردم آن نیز به راحتی زندگی می کنند البته مقایسه این شهرها با تهران، مشخص به نظر می رسد زیرا تهران محصول سال ها ساخت و ساز، و مهندسی بافت های فرسوده و لوکس است که تناقض در آن دیده می کند. نباید فکر کرد تهران دیگر جاسی تغییر و ترمیم ندارد بلکه شهرهایی از تهران بزرگتر و جمعیت بیشتر هستند که نظم و انضباط شان زبانه زده خاص و عام است و زندگی و آرامش در آنها به خوبی دیده می شود. اگر قرار باشد تهران را نیز به این سو قوه دهیم، باید با تیزهوشی و دادن اختیارات کافی به افراد شایسته معضلاتش را سامان دهیم. یکی از متولیان این امر، راهنمایی و رانندگی کشور است. موازی که این سازمان وضع کرده، نوانسته است در سال های اخیر، به ارتقای فرهنگ ترافیک و نظم و انضباط در رانندگی، بینجامد. سیستم تاکسیرانی نیز جزو موضوعاتی است که سامان دادن آن، به سامان شهری کمک می کند. متأسفانه در ایران تعریف درستی از عملکرد تاکسیرانی وجود ندارد.  
تاکسیرانی در کل دنیا به گونه ای است که در اختیار یک فرد است اما در کشور ما این گونه نیست. بنابراین با کمی بازیگری در موضوعات مختلف، می توان تغییراتی ایجاد کرد که ما هم با استانداردهای جهانی، خود را وفق دهیم. موتورسواران هم از معضلات شهری ما هستند که اتفاقات ناگواری رقم می زند.  
در همه جای دنیا ایمنی و احتیاط برای موتورسواران اصلی است و قوانینی برای آنها وضع می شود که در حال عبور و مرور از ایمنی مطمئن برخوردار باشند. اما در کشور ما از موتورهای طوری استفاده می کنند که به هیچ وجه از ایمنی مناسبی برخوردار نیستند. آخر ماجرا هم برای ما روشن است که چه اتفاقی می افتد. بنابراین مشکلات ما واضح و مبرهن است و می توانیم آنها را با تدبیر و تفکر سامان دهیم.



مشکلاتی که واضح است

نیست بلکه برای ساخت و احداث هر پروژه، باید از قبیل، پیش بینی های مورد نظر را انجام داد. شهر تعریف مشخصی دارد. جای است که مردم در آن به سادگی زندگی کنند و آرامش خاطر داشته باشند. برای مثال، اگر به شهرهای تازه احداث شده مانند پارس یا هشتگرد نگاه می کنید، دیدار شما کاملاً واضح است که در شهری استاندارد قرار گرفته، باید شهری که ترافیک

گاهی برنامه های مورد نظر آنها، در شهر اجرا می شود و گاهی نیز برعکس می شود. این امر با هیچ وقت اجرا نمی شود. سوال این است در این مسیر، معضل چیست و روند موجود تا چه حد قابل تغییر است؟ تصور این است، مشکلات موجود به امروز و دیروز ارتباط دارد. به ویژه در باره مسائل شهری، محدود به پروژه های در حال ساخت

حیب بیگی

معمول این است که متولیان امور در شهر، بر این موضوع بافتاری دارند که روز به روز اوضاع و احوال شهر را به بهترین حالت تغییر دهند و با انجام پروژه های، آن را ساماندهی کنند. اما